

چهارشنبه ۸ مرداد ۱۴۰۴
 وطن امروز | شماره ۴۲۷۷



ورزشی

خبر

قمار ۵۰ میلیون یورویی رونالدو با پول سعودی

سایت الکوره از هزینه هگفت باشگاه النصر ریاض برای جذب هافبک پرتغالی جلسی انتقاد کرد. النصر عربستان برای جذب ژائو فلیکس، هموطن رونالدو ۵۰ میلیون یورو هزینه کرده اما سایت الکوره در گزارشی از ریخت و پاش عجیب سعودی برای فوتبالیست جوانی که در آستانه بازنشتستگی قرار داشت انتقاد کرد.

فلیکس در مدت ۲٫۵ سال اخیر ۴ بار تیم عوض کرده که نشان دهنده عدم ثبات این ستاره سابق پرتغالی است. فلیکس سال ۲۰۱۸ بعد از درخشش با بنفیکا با مبلغ ۱۲۶ میلیون یورو راهی آلتینکيو شد و همه منتظر ظهور ستاره جدید در مستطیل سبز بودند اما هافبک پرتغالی در طول ۳ و نیم فصل حضورش در اتلتی تنها ۲۲ بازی از ابتدا در ترکیب اصلی تیمش قرار گرفت و در ۶۶ بازی به عنوان یار ذخیره به میدان رفت و تنها ۲۴ گل به ثمر رساند تا یک خرید گران و ناموفق لقب بگیرد.

سایت الکوره می‌نویسد فلیکس در ۲۵ سالگی به دلیل ناکامی‌های متوالی در ۲ سال گذشته و تعویض تیم هر نیم فصل یک بار به فکر بازنشتستگی زودهنگام افتاد به همین خاطر در آستانه بازگشت به بنفیکا تیم اوشی قرار داشت. براساس گزارش این رسانه، در این شرایط النصر با پیشنهاد نجومی یا به میدان گذاشت و به‌رغم عدم ثبات هافبک پرتغالی اما با درخواست رونالدو این ستاره جوان اما همیشه ناکام را با مبلغ هنگفت به خدمت گرفت.

گزارش

انقلاب در دآوری لالیگا

اجازه اعتراض رسمی روی میز مربیان!

لالیگا:فصل آینده شاهد تحول بزرگی خواهد بود؛ فرصتی قانونی برای سرمربیان جهت به چالش کشیدن سوت داور. در دنیایی که تکنولوژی هر روز بیشتر با فوتبال گره

می‌خورد، لیگ اسپانیا با یک تصمیم جنجالی و جسورانه

مسیر تازه‌ای را آغاز خواهد کرد؛ تصمیمی که شاید بتوان آن را یکی از بنیادی‌ترین تغییرات دآوری در سال‌های اخیر دانست. مسؤلان فراسویون فوتبال اسپانیا پس از یک فصل پر از اعتراض، حاشیه و جنجال‌های دآوری، چراغ سبز را برای یک تغییر تاریخی روشن کردند؛ از فصل آینده، مربیان تیم‌ها می‌توانند تصمیمات دآوری را به صورت رسمی در جریان مسابقه به چالش بکشند.

■ **حق اعتراض: حالا نوبت مربیان است**

در طرح تازه‌ای که توسط کمیته داوران اسپانیا نهایی شده، هر مربی در طول یک بازی این اختیار را دارد که ۲ بار علیه تصمیمات داور وسط، در خواست بازبینی ویدئویی داشته باشد. اگر نتیجه بازبینی نشان دهد تصمیم داور اشتباه بوده، نته تنها آن تصمیم اصلاح می‌شود، بلکه سرمربی مورد نظر فرصت یک چالش دیگر هم دریافت می‌کند؛ چیزی شبیه به «حق اعتراض موفق» در ورزش‌هایی مانند تنیس، والیبال و کشتی.

به بیان ساده‌تر، حالا هر تیم این امکان را دارد که از تکنولوژی VAR به نفع خودش، آن هم به طور رسمی و در قالب یک ابزار تاکتیکی، استفاده کند. نکته قابل توجه اینکه اگر در خواستی رد شود و نظر داور تغییر نکند، آن یک سهمیه چالشی از بین می‌رود. همین مسأله باعث می‌شود مربیان مجبور شوند با دقت و محاسبه بیشتر دست به این کار زنند.

■ **پایان اعتراض‌های بی‌سرانجام؟**

تصمیم جنجالی کمیته داوران اسپانیا، بی‌ارتباط به حوادث فصل گذشته نیست. در لیگ پیشین، بارها شاهد اعتراض‌هایی گسترده از سوی سرمربیان و باشگاه‌ها بودیم. در رأس همه، باشگاه رئال مادرید بود که بویژه در هفته‌های پایانی فصل، شدیدترین انتقادات را متوجه عملکرد داوران کرد. ماجرا آنقدر بالا گرفت که کار به تشکیل پرونده‌های حقوقی و تهدیدهای رسمی کشیده شد. حالا به نظر می‌رسد قانون جدید، برای کاهش همین تنش‌ها طراحی شده؛ قانونی که اگر درست اجرا شود، می‌تواند هم از فشار روانی روی داوران بکاهد و هم صدای اعتراض مربیان را به شکلی هدفمند و قانونی کنترل کند.

■ **فیفا در جریان است؛ تأیید IFAB هم گرفته شد**

جالب اینکه این طرح فقط محدود به اسپانیا نیست. کمیته داوران فیفا به ریاست «پیر لوییجی کولینا» –چهره کارزماتیک و سرشناس دآوری جهان – از مدت‌ها پیش، اجرای آزمایشی این مدل اعتراض مربیان را در رقابت‌های سطح پایین بررسی کرده بود. در نهایت، هیأت بین‌المللی قوانین فوتبال (IFAB) در ماه مارس استفاده از چنین سیستمی را قانونی اعلام کرد. به همین دلیل لالیگا عملاً نخستین لیگ معتبر جهان خواهد بود که این مدل را به‌صورت کامل و در سطح حرفه‌ای اجرا می‌کند.

■ **پیامدها: از تاکتیک مربیان تا هیجان بیشتر برای تماشاگر**
ورود سیستم جدید قطعاً تبعات گسترده‌ای در سبک مربیگری، زمان‌بندی تصمیمات و حتی جو ورزشگاه‌ها خواهد داشت. حالا سرمربی‌ها باید علاوه بر چشش ترکیب، تعویض‌ها و تصمیمات فنی، یک فاکتور دیگر را هم در ذهن داشته باشند: چه زمانی به داور اعتراض رسمی کنند؟ و اگر تصمیم آنها اشتباه از آب دربیاید، آن وقت باید با تبعاتش در ادامه بازی چگونه کنار بیایند؟

برای هواداران هم این تحول‌آران جذاب خواهد بود. تصور کنید در لحظه‌ای حساس، یک تیم با گل مردود یا پنتالتی بحث‌برانگیز روبه‌رو شود و بعد از لحظاتی، سرمربی تیم به نشانه اعتراض به کنار زمین بیاید و داور چهارم را به چالش بکشد. صحنه‌ای سینمایی که حالا دیگر بخشی از واقعیت لالیگا خواهد شد.

■ **اسپانیا پیشتان می‌شود**

با اجرای موفق این طرح در لالیگا، بعید نیست سایر لیگ‌های مطرح اروپایی هم بزودی دست به چنین ابتکاری بزنند. اگر مربیان بزرگ دنیا، مثل گواردیو، مورینیو یا آنچلوتی همزمان در لیگ‌های مختلف با این قانون فعالیت کنند، تقابل آنها با داوران رنگ و بوی تازه‌ای خواهد گرفت. اما فعلاً همه نگاه‌ها به اسپانیاست. لالیگایی که حالا با «حق اعتراض رسمی» وارد دوره تازه‌ای از تعامل مربیان و داوران می‌شود؛ دوره‌ای که شاید در نهایت، برنده اصلی آن فوتبال باشد.

اولتیماتوم بی‌پرده ساپینتو؛ استقلال اگر واکنش نشان ندهد، بی‌سرمربی می‌شود

صبرم زیاده اما...

گفت‌وگوهای اخیر خود تأکید کرده در صورت ادامه این روند و عدم تکمیل لیست تا روزهای ابتدایی هفته آینده، قرارداد خود را یک‌طرفه فسخ خواهد کرد و بلافاصله از تیم جدا می‌شود. او صراحتاً گفته قصد ندارد با تیمی نصفه و نیمه وارد رقابت سوپر جام یا لیگ شود. آن هم در حالی که حریف اصلی، یعنی تراکتور، در بازار تابستانی یارگیری قدرتمندی داشته و با اسکلت ثابت و بازیکنان مؤثر به مسابقه خواهد آمد.

استقلایی‌ها قرار است ۲۰ مرداد در دیدار سوپر جام، مقابل تراکتوری قرار بگیرند که با هدایت اسکوچیچ، تبدیل به یکی از پرتساره‌ترین تیم‌های لیگ شده و آمادگی خوبی هم دارد. این در حالی است که ابی‌پوشان هنوز در برخی پست‌های کلیدی خود بلاکلیفند و اسکواد فنی نمی‌تواند انتظارات فنی ساپینتو را برآورده کند.

آنچه شرایط را بغرنج‌تر کرده، سکوت باشگاه در برابر انتقادات آشکار سرمربی است. در شرایطی که هواداران با اشتیاق اخبار نقل‌وانقالات را پیگیری می‌کنند، بی‌خبری از جذب‌های جدید و عملکرد ضعیف مدیریت، سایه‌ای از نگرانی را بر سر اردوی تیم انداخته است.

مرد پرتغالی اما این بار با جدیتی بیش از گذشته پای تهدیدش ایستاده است. او مدت‌ها هشدار داده، بلکه مراحل اولیه فسخ را نیز آغاز کرده و منتظر تحقق وعده‌های نیمه‌تمام مدیران نمانده.

آتش آنقدر شور شد که بالاخره «خان» را هم عاصی کرد. این را شاید بتوان بهترین توصیف از عملکرد مدیران استقلال و عکس‌العمل مالک این باشگاه دانست، هر چند بیرهنگام!.. از خبرها بر می‌آید هلدینگ قرار است بالاخره از دست روی دست گذاشتن در قبال آنچه توسط منصوبانش در استقلال می‌گذرد، دست برکشد و به تغییرات ولو ناچار تن دهد! اما فرصت‌های طلایی از دست رفته چه می‌شود و تاوان آن با کیست؟!.. هیات مدیره‌ای ناهمگون، بدون تخصص حداقلی و صرفاً به اعتبار «سسال‌ها حضور در فوتبال» و به آنکای داشتن «ابطله»، ۲۰۰ روز است باشگاه بزرگ استقلال را در واقعیت کلام، مضحکه خوش ساخته و خسارات سهمگین مادی و معنوی بر این باشگاه تحمیل کرده است و اینک اگر اتفاق خارج از تصویری رخ ندهد، قرار است برخی از این افراد از مجموعه استقلال رفع زحمت کنند اما تاوان این خسارت زدن‌ها چه می‌شود؟ قطعاً مشمول مسببان که نخواهد شد!..

معضل جدیدتر این است که چه کسانی جایگزین افراد رفتنی خواهند شد؟ آیا بنا بر تصمیمات هلدینگ تا به این جای کار، باز هم افرادی بدون لیاقت کافی و به پشتوانه روابط خواهند آمد؟ اگر چنین خواهد بود که لطفاً دست نگه دارید و همین جمع را حفظ کنید؛ تغییری که منتج به فوایدی نشود همان بهتر که صورت نگیرد. وانگهی! نکند جویباری زیر بازی رضا درویش برای ماندن را بازخوانی می‌کند و پس از چند روز همه چیز متوقف می‌شود؟! برخی خسارات مالی ایجادشده توسط این هیات مدیره و مدیرعامل کنونی به اینگونه است:

۱- حقوق کامل موسسین‌ها به اضافه خسارت در خواستی وی



عبدالله دارابی



در میان کش‌وقوس‌های

همیشگی نقل‌وانتقالات، حالا نوبت به رضا جعفری رسیده تا پای ثابت یکی از پرتقاضاترین داستان‌های تابستانی فوتبال ایران باشد. مهاجمی که تا همین چند

هفته پیش به نظر می‌رسید مقصدش مشخص شده و آینده‌اش در سیرجان نوشته شده، حالا با یک چرخش ناگهانی، مسیروش را به سوی تهران کج کرده است. مسیری که شاید بر اثر مواجع حقوقی و اداری باشد اما نشان می‌دهد فوتبال ایران همچنان زیر سایه تماس‌های لحظه آخری و استوری‌های چند ثانیه‌ای در حال اداره شدن است.

جعفری که طی ۲ فصل اخیر با پیراهن ملوان چهره شد و توانست نام خود را در جدول گلزنان لیگ برتر بالا ببرد، این روزها بیش از آنکه با فوتبالیش در صدر اخبار باشد، با تصمیمات دوهپلو و توافقات ناقص، به سوژه رسانه‌ها بدل شده است. او که دوران خدمت سربازی‌اش را در بندرانزلی پشت سر گذاشت، حالا به



مهدی مرسلی

هفته پیش به نظر می‌رسید مقصدش مشخص شده و آینده‌اش در سیرجان نوشته شده، حالا با یک چرخش ناگهانی، مسیروش را به سوی تهران کج کرده است. مسیری که شاید بر اثر مواجع حقوقی و اداری باشد اما نشان می‌دهد فوتبال ایران همچنان زیر سایه تماس‌های لحظه آخری و استوری‌های چند ثانیه‌ای در حال اداره شدن است.

جعفری که طی ۲ فصل اخیر با پیراهن ملوان چهره شد و توانست نام خود را در جدول گلزنان لیگ برتر بالا ببرد، این روزها بیش از آنکه با فوتبالیش در صدر اخبار باشد، با تصمیمات دوهپلو و توافقات ناقص، به سوژه رسانه‌ها بدل شده است. او که دوران خدمت سربازی‌اش را در بندرانزلی پشت سر گذاشت، حالا به

رودت از سوت پایان هر فصل اتفاق می‌افتد. حالا نشانه‌هایی از ثبات به چشم می‌خورد. لیگ بیست‌وپنجم فصل خود را با همان معمار ادامه دهند. عملیات اپرا نامگذاری و طی آن تأسیسات هسته‌ای عراق در «السیراک» را به‌باران کرد. نمونه دیگر آن سوریه است. ۱۰ مهر ۱۳۸۶ رژیم صهیونیستی تأسیسات مشکوک به هسته‌ای در دیرالزور سوریه را هدف حمله هوایی قرار داد. این عملیات که «عملیات باغ میوه» نام گرفت با سکوت و همراهی آمریکا و غرب همراه بود و باز هم نشان داد رشد فناوریانه در منطقه، بویژه در زمینه‌های راهبردی، با واکنش نظامی رژیم روبه‌رو می‌شود. تاریخ منطقه، گواه روشنی بر این مدعاست که رژیم صهیونیستی به صورت سیستماتیک علیه هر تلاشی برای دستیابی به دانش هسته‌ای توسط کشورهای منطقه،

آن‌ها ترجیح داده‌اند مسیر ساختن را به همان معمار ادامه دهند. ملوان هم با ماز پازار زارع ادامه همکاری داده، چارلمو همچنان سعید اخباری را روی نیمکت می‌بیند، استقلال خوزستان با امیر خلیف‌اصل جلو می‌رود و فجرسیاسی نیز که از لیگ آزادگان صعود کرده، پیروز قربانی را با خود به سطح اول فوتبال ایران آورده است.

با نگاهی دقیق‌تر مشخص می‌شود تنها یکی از این ۸ تیم، یعنی استقلال خوزستان، فصل گذشته سرمربی‌اش را در میانه مسیر تغییر داده و اکنون جانشین را حفظ کرده است. بقیه، از همان روز اول فصل گذشته، نیمکت‌شان را به مربی کنونی سپرده‌اند. چنین چیزی اگرچه در فوتبال جهان امری طبیعی است اما در فوتبال ایران یک دستاورد محسوب می‌شود؛ ثباتی که شاید بتواند به کیفیت فنی لیگ برتر نیز کمک کند.

در این بین، حسینی در آلمینیوم اراک، رکورددار بیشترین حضور متوالی در سطح اول فوتبال ایران محسوب می‌شود. او

برخی نیمکت‌ها برای چندمین فصل پیاپی دست نخورده باقی مانده‌اند و چند مربی توانسته‌اند جای پای خود را محکم‌تر از همیشه کنند. در شرایطی که اغلب باشگاه‌ها به محض چند نتیجه ضعیف، مسیر قطع همکاری با سرمربی خود را انتخاب می‌کنند، حالا نیمی از تیم‌های حاضر در فصل جدید، تصمیم گرفته‌اند با همان سکان‌دار فصل گذشته وارد رقابت‌ها شوند؛ تغییری امیدوارکننده، هرچند هنوز مسیر زیادی تا رسیدن به فضای حرفه‌ای در این زمینه باقی مانده است.

۸ تیم، از جمله تراکتور با دراگان اسکوچیچ، فولاد با یحیی گل‌محمدی، گل‌گهر با مهدی تارتار و آلمینیوم با سیدمجتبی حسینی، کم‌ترین تغییر را در رأس کادر فنی خود تجربه کرده‌اند. **دشمن پیشرفت‌خواهی** یکی از مصادیق بارز پیشرفت‌خواهی ایران، تأکید بر فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای است؛ فناوری که دهه ۱۳۸۰ خورشیدی به نماد اراده ملی برای استقلال علمی تبدیل شد. برخلاف روایات غیرواقع‌گرایانه برخی جریان‌ها، ایران از ابتدا بر صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای تأکید داشته و همواره به اصول پادمان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پایبند بوده است. با این حال، رژیم صهیونی که خود دارای زرادخانه‌های غیرقانونی هسته‌ای و خارج از چارچوب NPT است، در موارد متعدد با رفتارهای



اعتبار روبه‌رو شود.

اگر مدیران استقلال نتوانند در همین چند روز، بحران را مدیریت کنند، ممکن است یکبار دیگر شاهد استعفاي ناگهانی و حاشیه‌های پرنرگ قبل از آغاز فصل باشیم؛ آن هم از سوی مربی‌ای که در بازگشتش، سودای قهرمانی داشت اما حالا حتی از ماندن نیز ناامید شده است.

او می‌خواهد یا تیمی کامل تحویل بگیرد یا در نخستین فرصت تهران را ترک کند.

پشت پرده این بحران البته به بی‌ثباتی مدیریتی باشگاه بازمی‌گردد. تغییرات پی‌درپی، تصمیم‌گیری‌های متناقض و ناتوانی در اقناع بازیکنان هدف، همگی موجب شده پروژه فصل جدید استقلال نه تنها با چالش فنی، بلکه با بحران

هلدینگ هم متقاعد شد

...و به ناچار تغییر!

تحمیل کرده است و اینک اگر اتفاق خارج از تصویری رخ ندهد، قرار است برخی از این افراد از مجموعه استقلال رفع زحمت کنند اما تاوان این خسارت زدن‌ها چه می‌شود؟ قطعاً مشمول مسببان که نخواهد شد!.. معضل جدیدتر این است که چه کسانی جایگزین افراد رفتنی خواهند شد؟ آیا بنا بر تصمیمات هلدینگ تا به این جای کار، باز هم افرادی بدون لیاقت کافی و به پشتوانه روابط خواهند آمد؟ اگر چنین خواهد بود که لطفاً دست نگه دارید و همین جمع را حفظ کنید؛ تغییری که منتج به فوایدی نشود همان بهتر که صورت نگیرد. وانگهی! نکند جویباری زیر بازی رضا درویش برای ماندن را بازخوانی می‌کند و پس از چند روز همه چیز متوقف می‌شود؟! برخی خسارات مالی ایجادشده توسط این هیات مدیره و مدیرعامل کنونی به اینگونه است:

۱- حقوق کامل موسسین‌ها به اضافه خسارت در خواستی وی

حالا ۲ باشگاه پرنفوذ فوتبال ایران، یکی با وعده‌های مالی و دیگری با مستندات اداری، برای جذب رضا جعفری صفارایی کرده‌اند. جعفری هم در این میان، با بی‌میلی به حضور در تمرینات گل‌گهر، نشان داده علاقه‌اش کجاست. اما قراردادهای امضاشده، همیشه با علاقه‌ها هم‌جهت نیست.

گل‌گهر که اردوی آماده‌سازی پیش‌فصل خود را در ترکیه برگزار می‌کند، همچنان امیدوار است این مهاجم را در لیست نهایی داشته باشد اما عدم حضور جعفری در مراحل پزشکی، رنگ خطر را برای سیرجانی‌ها به صدا درآورده. استقلایی‌ها نیز در پی آنند از آب گل آلود، ماهی ارزشمندی صید کنند و مهاجمی را به خدمت بگیرند که پیش‌فصل را با تردید آغاز کرده اما شاید فصل را با درخشش به پایان برساند.

آنچه مسلم است، ماجرای جعفری، یک نبرد ساده نقل‌وانتقالاتی نیست، بلکه آینده‌ای است از بی‌نظمی ساختاری، خلاهای قانونی و رقابت‌های پشت پرده فوتبال ایران. بازیکنی که میان ۲ خواسته ایستاده: تعهد یا رؤیا. شاید تا شروع فصل پاسخ این معما روشن شود.

(شمس‌آذر) و سعید دقیقی (یکپان) در کنار یک‌نام تازه اضافه شده: رسول خطیبی. او از سایر مهر ده‌هایش دیرتر سکان تیم جدید را در دست گرفت و در واپسین روزهای تیرماه، هدایت مس رفسنجان را پذیرفت؛ تیمی که در روزهای پرفراز و نشیب نقل‌وانتقالات، حالا چشم به روزهای آرام‌تری دوخته است.

آنچه ترکیب از نیمکت‌ها، تلفیقی است از تجربه و جوانی، از چهره‌هایی که پخته شده‌اند و نام‌هایی که به دنبال اثبات خود هستند. حالا در لیگ بیست‌وپنجم، ما با یکی از جالب‌ترین ترکیب‌های فنی سال‌های اخیر مواجهیم: مربیانی که سال‌هاست در باشگاه‌شان مانده‌اند و می‌خواهند میوه صبرشان را بچینند و بازواردهایی که مشتاقند خود را در سطح اول فوتبال کشور ثابت کنند.

شاید لیگ بیست‌وپنجم، بیش از هر چیز، صحنه تقابل این ۲ دسته باشد. جایی که ثبات در برابر تغییر صف‌آرایی می‌کند و فوتبال ایران، به تماشای سرنوشت تیم‌هایی می‌نشیند که با به مربیان وفادار مانند یا امیدشان را به چهره‌های جدید گره زده‌اند. هر چه باشد، یک چیز روشن است: نیمکت‌ها در این فصل، کم‌حاشیه نخواهد بود.

است. پاسخ دفاعی ایران در این نبرد که با دقت عملیاتی بالا، هدف‌گیری منابع نظامی صهیونیستی و کنترل بحران همراه بود، از همین منطق پیشرفت‌خواهی نشأت می‌گیرد. در واقع، ایران در این پاسخ، همان گفتمان بنیادین خود یعنی ترکیب قدرت‌افزین «دین و دانش» را به نمایش گذاشت.

■ **فرجام سخن**

مایکل مان در تحلیل خود از دولت‌های آینده می‌نویسد: «تنها دولت‌هایی در بلندمدت بقا می‌یابند که بتوانند از ظرفیت بقای صرف، به سمت سازوکارهای پیشرفت پایدار حرکت کنند. دولت‌هایی که فقط به حفظ خود می‌اندیشند، نهایتاً یا در نظم جهانی حل می‌شوند یا فرومی‌پاشند». بر همین اساس راهی جز پیشرفت‌خواهی نیست و با همین توضیح لازم به ذکر است جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر پیشرفت علمی، سیاست توسعه پایدار و تکیه بر منابع انسانی و دینی خود، نشان داده می‌خواهد در این منطقه، طرح جدیدی از حیات سیاسی ارائه دهد. از این رو، آینده جمهوری اسلامی ایران در عقب‌نشینی و مصلحت‌گرایی منفعلانه نیست، بلکه در غلظتیت توانمان و مقاومت است. غلظتیت مقاومت‌اندیشی که با ۲ عنصر بنیادین دین و دانش، پیشرفت را در ایران تمهید خواهد کرد؛ راهی که پرچم‌داران آن، نه تنها سیاستمداران، بلکه دانشمندان، جوانان و نخبگان جامعه‌اند.